



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

به قلم دکتر کیومرث فلاحتی
عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

اشاره: سال ۲۰۰۷ میلادی از طرف سازمان یونسکو به عنوان سال جهانی بزرگداشت جلال‌الدین محمد معروف به مولوی اعلام شده است. شاعری عارف، فارسی زبان که در بلخ به دنیا آمد و در قونیه در دل خاک آرمید.

گر شدی عطشان بحر مثنوی
فرجه‌ای کن در جزیره معنوی
فرجه کن چندان که اندر هر نفس
مثنوی را معنوی بینی و بس

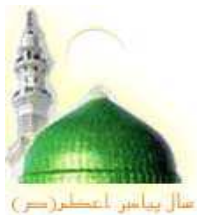
مولانا جلال‌الدین، سرودن شعر را از ۳۸ سالگی آغاز کرد. با این وجود فقط مثنوی او نزدیک به ۲۷۰۰۰ بیت را دربردارد و شماره‌ی بیت‌های دیوان کبیرش به بیش از ۴۰۰۰۰ بیت می‌رسد و این جدای از رباعیات منسوب و آثار منشور اوست، با این همه خود را شاعر نمی‌داند و از شاعری بیزاری می‌جوید:

قافیه و مفعله را گو همه سیلاب بپر
پوست بود، پوست بود در خور مغز شعرا
رستم از این بیت و غزل، ای شه سلطان ازل
مفتعلن، مفتعلن، مفتعلن کشت مرا

و چنانچه مشهور است، وی اغلب اشعارش را در حالت شور و حال عاشقانه سروده است:

تو مپندار که من شعر به خود می‌گویم
تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم

دیگر اینکه مولانا از شعر، به عنوان ابزاری برای بیان و تفهیم و گسترش مقصود سود می‌جسته است چنانکه می‌گوید:
«خون چو می‌جوشد، منش از شعر رنگی می‌زنم».



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

بنا به فرمایش «استاد فروزانفر»، در شعرهای مولوی، ۷۵ هزار ترکیب وجود دارد که دست کم، ده هزار تای آنها، ابداع شخصی اوست. و این تسلط بی‌مانند وی را از بر حکمت و ادب فارسی می‌رساند. چنانکه «جامی» وی را چنین ستوده است:

من نمی‌گویم که آن عالیجناب

هست پیغمبر، ولی دارد کتاب

مثنوی معنوی مولوی

هست قرآنی به لفظ پهلوی

و «شیخ بهایی عاملی» می‌گوید:

مثنوی او چون قرآن مدل

منجی بعضی و بعضی را مفضل

به همین قیاس کتابش را شفای سینه‌های دردمند، زداینده حزن و اندوه، برهان الله، شرع الله الازهر وقفه الله‌الاکبر خوانده‌اند.

به قول عماد الفقراء اردبیلی: «مثنوی حکایت سیران و طیران عرش سماوات قلب روحانی و ملکوتی و جبروتی است.»

«سلطان ولد» آن را وسیله‌ی عروج به آسمانها و بام ملکوت می‌داند و می‌گوید:

نردبان آسمان است این کلام

هر که از این بر رود، آید به بام

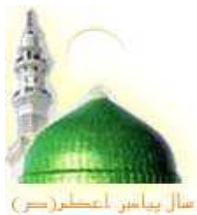
«شاه قاسم انوار» جان معنایش خوانده است. و کلام «افلاکی» است که: «مثنوی دلبری است معنوی، در جمال و کمال

همتایی ندارد و همچنان باغی است مهیا و درختی است مهنا که جهت روشندان صاحب نظر و عاشقان سوخته جگر، ساخته شده

است.»

با وجود این مقام والا و معنوی «مولانا جلال‌الدین» آن طور که باید شناخته نشده است. چنانکه «شیخ فخرالدین عراقی»

گوید: «او را، کمابینقی هیچکس ادراک نکرد و در عالم غریب آمد و غریب بود و غریب رفت.»



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

گفتنی است، هیچ مسأله‌ای از مسائل زندگی، در زمینه‌های فلسفی و دینی و اخلاقی نیست که در مثنوی بدان پرداخته نشده باشد و مولای بلخ به خوبی بر این واقف بوده و می‌دانسته است که اندیشه وی و سر کلامش، آتش در سوختگان عالم خواهد زد. ولی به قول حضرتش، فارغ از تکذیب و تصدیق دیگران بوده و به تحسین و تشویق ایشان دل نمی‌بسته است.

دورم از تحسین و تشویق همه

فارغ از تکذیب و تصدیق همه

از همه اوهام و تصویرات، دور

نور نور، نور نور، نور نور

ایرانیان، افغانیان و ترکان عثمانی (مردم ترکیه) مولانا را از خود می‌دانند. و پندارشان هم درست است، مولوی در بلخ به دنیا آمد و همراه خانواده‌اش به آسیای صغیر کوچید و در «قونیه» رخت به سرای باقی کشید و به «جان جهان» و «جانان» پیوست:

نه شرقی‌ام نه غربی‌ام، نه بریم، نه بحریم، که من از جان جانانم

اما اگر هم اکنون نیز از ملیت مولانا، پرسش شود، او خود را ایرانی می‌نمایاند، چرا که به حوزه‌ی فرهنگی تعلق دارد که دامنه‌اش از کرانه‌های مدیترانه تا پشت دیوارهای چین می‌رسد، و آن را گستره‌ی فرهنگی ایران زمین است که «زبان و ادب پارسی» نمایان گران است. قهرمانان و شخصیت‌های داستان‌های مولوی، در کنار اسوه‌های دینی، اسطوره‌های ایرانی هستند:

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت

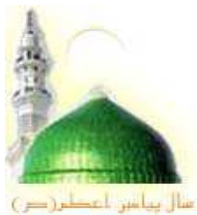
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

جغرافیای اندیشه‌ی مولانا هم «ایران» است، «داستانهای مثنوی» و «فیه مافیه» و شوریدگی‌های دیوان شمس، در این جغرافیا شکل می‌گیرند. چنانکه از سمرقند چون قند، بلخ و بخارا، تبریز و ری و قزوین، سخن به میان می‌آورد:

کاروانا بار بگشای از اشتران

شهر تبریز است و کوی دلبران

این حکایت بشنو ای صاحب بیان



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

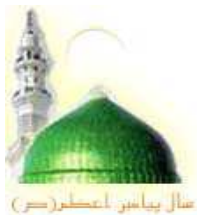
تنها صفتی که می‌شود بر این سوخته یگانه و عارف فرزانه اطلاق کرد، لفظ عاشق است و بس. و بر همین قیاس نابخشودنی هم، عشق‌نامه‌ای از وحدت و معنی است. آنچه این زاهد سجاده نشین را شوریده و شیدا می‌گرداند و به ناگاه ترانه گوی سر دفتر بزم و باده و بازیچه‌ی کودکان کویش می‌کند، پی بردن به رمز و رازی است که حکایت هجران و قصه‌ی غصه‌ی از اصل دور افتادگان است. یافتن این سر و آشنایی به این راز، او را به دردی دچار می‌کند که بیت‌های مثنوی و ترانه‌های دیوان کبیر، ناله‌های غم آلود و گوش‌نواز آن است. چنانکه گفته است: ((سر من از ناله من دور نیست))

هرچند این درد، جانکاه و سخت است. ولی گزندگی‌اش تلخ نیست. نیش آن، نوش است و زهرش شیرین. درد، درد بیداری و هشیاری است، «هر چه که او بیدارتر، پردردتر» و این درد به هزار درمان می‌ارزد. گرچه این درد و این داغ در سراسر مثنوی به چشم می‌خورد و به زیباترین صورت بیان شده است، اما آن را باید به تجربه دریافت و دید و چشید، به شرح و زبان نمی‌آید و حدی برایش متصور نیست:

شرح عشق از من بگویم بر دوام
صد قیامت بگذرد و آن نا تمام
ز آن که تاریخ قیامت را حد است
حد کجاست، آن جا که وصف ایزدست.

این نکته گفتنی است که انسان بنا بر فطرتش آرمان‌گرا و کمال طلب است و در پی این معنی است که جامعه‌ی ایده‌آل و رسیدن به مقام انسان کامل و والا را جستجو می‌کند. اندیشه‌ی «توپای افلاطون»، «شهر خدای سنت آگوستین»، «مدینه فاضله فارابی»، «آفتاب‌شهر توماس مور» و آرمان شهرهای دیگران، همگی جلوه‌ی این پندار است، ولی این اندیشمندان بیشتر به جامعه‌ی نمودار پرداخته‌اند، تا انسان نمونه.

در مثنوی مولانا همه‌ی این دیدگاه‌ها به یک نقطه‌ی واحد می‌رسند، بی شک مولانای بلخ، بر تحلیل‌های پیشینیان نیز نظر داشته است. ولی تعریف او از آرمان انسان و انسانی آرمانی، دل نوازتر و دل انگیزتر است و خواننده را به شوق و شنونده را به ذوق می‌آورد. این سرکلام را پیش از نگارش مثنوی، تنها در آیه‌های قرآن و خطبه‌های امام علی (ع) می‌توان یافت که در آن‌ها نیز ویژگی‌های «مرد خدا» و اسوه‌ی انسان بیان شده است و به یقین می‌دانیم مولانای ما با الهام از این دو مایه، قلم به دست گرفته است. آرمانهای مولانا والا است و به زیباترین وجه بیان شده است، کلام معنوی و اعجاب برانگیز صاحب مثنوی، تا بدان جا پیش می‌رود که انسان را به یقین می‌رساند و این سرگفتار پیر فرزانه‌ی ماست. هر چند وی در طرح بسیاری از این اندیشه‌ها آفریننده



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

نیست، اما در پرتو تجربه‌ی شخصی، هر آن چه که پیش از او گفته‌اند را باز آفرینی کرده و از نواندیشیده تا بنا به فرموده‌ی خودش از خامی به سوختگی رسیده است.

نوبت کهنه فروشان درگذشت

نو فروشانیم و این بازار ماست

بنا بر داوری شادروان «فروزانفر»: «... مولانا این خاصیت را دارد که ایمان ایجاد می‌کند و تنها اقناع نمی‌کند. فلاسفه و حکما اقناع می‌کنند و با استدلال، زبان طرف را می‌بندند. ولی مولانا از راه‌هایی که هیچ کس متوجه و ملتفت نمی‌شود، خواننده را با خود به عالم بی‌اختیاری می‌کشاند.» چنانکه گفتیم، مکتب مولانا «مکتب عشق» است و بر همین قیاس، انسان آرمانی او نیز، انسان عاشق است. اما مفهوم عشق در نظر او با رنگ و بوهای مادی این جهانی در تضاد است.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود

عشق نبود عاقبت ننگی بود

عشق، راهبر و راهنما به سوی معبد ازلی و ابدی است:

عاشقی گر زین سر و گرزان سر است

عاقبت ما را بدان شه رهبر است

عشق، گرچه قرین درد و رنج است، اما خود مرهمی است بر دل‌های دردمند، عشق طیب و جیبی است الهی که هر درد بی‌درمانی را بیابد شفای ابدیش می‌بخشد.

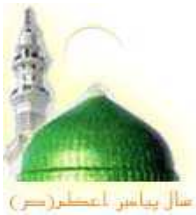
هر که را جامه ز عشقی چاک شد

او ز حرص و جمله و عیبی پاک شد

شاد باش ای عشق خوش سودای ما

ای طیبیب جمله علت‌های ما

ای دوای نخوت و ناموس ما



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

ای تو افلاطون و جالینوس ما
جسم خاک از عشق بر افلاک شد
کوه در رقص آمد و چالاک شد

مکرر می‌گوییم که عشق آمدنی است نه آموختنی، بر این سر کس آگاهی نمی‌یابد، مگر گرفتارش شود:
پرسید یکی که عاشقی چیست؟
گفتاش: چو ما شوی، بدانی

زبان و قلم را نیز یارای آن نیست که به وصفش پردازند، حق آن است که مولانا خود گفته است:

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت
چون به عشق آمد، قلم بر خود شکافت
چون قلم در وصف این حالت رسید
هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

القصه، عشق، محبت بی حسابی است، جهت آن که گفته‌اند که صفت حق است. شاید پیش‌تر از مولانا، تنها پیر هرات «خواجه عبدالله انصاری» است که این‌گونه از عشق سخن می‌راند، چنانکه در مخاطب پنجم مقالات می‌خوانیم:
«ای عزیز، هر کس داند حقیقت چیست، داند که عشق کدام است و عاشق کیست. در این راه، مرد باید بود. و با دل پردرد، باید بود. و هر که رنج، بیشتر، تمتع بیشتر. عاشق باید بی‌باک باشد، اگرچه او را بیم هلاک باشد. عشق، آدمی خوار است. نه نام دارد و نه ننگ، نه صلح دارد و نه جنگ. عشق، علتی است بر دوام حیات، نه وسیلتی است بر اتمام ممات. عشق دردی است که او را دوانیست. و کار عشق هرگز به مدعا نیست. مدعای عشق بی‌بلا نبود. و چون بلایی رسید او را رد بلا نبود. عاشق، هم آتش است و هم آب، هم ظلمت است و هم آفتاب. بی‌صبری در عشق، عذاب جاودانی است و بی‌اخلاصی در اطاعت، و بال زندگانی است. عشق، مایه آسودگی است، هر چند مایه‌ی فرسودگی است. هر چه عاشق نیست، ستور است، روز را چه گنه، زانکه شب پره، کور است. دل عاشق همیشه بیدار است و دیده‌ی او گهربار است. محبت او، پیوسته بامحنت قرین است. عاشق را صد بلا در پیش و هزار در راه. در این راه، گریه‌ی یعقوب باید یا ناله‌ای معجون، یا دل پر درد باید یا ناله پر خون.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

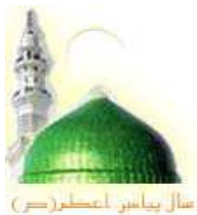
اینجا تن ضعیف و دل خسته می‌خرند
کسی عاشقی به قوت بازو نمی‌کند

اما گفتن دارد، تا باز از شوریده‌ی شمس‌الحق بگوئیم که چه شور انگیز شوری را به پا می‌کند:

عاشقی پیداست از زاری دل
نیست بیماری چو بیماری دل
علت عاشق ز علت‌ها جداست
عشق، اسطربلاب اسرار خداست
هرچه بگویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل‌گردم از آن
گرچه تفسیر زبان روشن‌گر است
لیک عشق بی‌زبان، روشن‌تر است
عقل در شرحش چو خر در گل‌بخفت
شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت

در مکتب عشق «غریب قونیه»، جهان بر حکمتی استوار است و حساب و کتابی دارد. از دید این مکتب، سیر هستی رو به کمال و همه چیز جاندار و در تسبیح است:

باد و خاک و آب و آتش بنده‌اند
با من و تو مرده، با حق زنده‌اند...
جمله‌ی ذرات عالم در نهان
غلغلی انداخته، اندر جهان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۱

با شما نامحرمان ما خامشیم

آفرینش به پایه نظم و حکمت نهاده شده و به نیروی حق از عدم به ظهور رسیده است و در پی تصویری آگاهانه، به کمال می‌رسد:

صد هزاران سال بودم در مطار

در این اندیشه، حیات، چیزی نیست مگر حاصل شوق به زندگی. عشق، در نظر آفریننده‌ی مثنوی، جوهر هستی و پایه و انجام آن است. فرزاندگی مولانا در شرح و بیان این مقصود، شگفت آور و تحسین بر انگیز است. از دید وی شوق و جذبه‌ی حیات، مایه تصور و تکامل والاتر و سرشارتر می‌گردد، مولانای ما پیش از «برگسون» به این معنی آگاهی یافته بود که تصور، آفریننده است.

از جمادی مردم و نامی شدم

وز نما، مردم به حیوان سرزدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

پس چه ترسم کی ز مردم کم شدم

جمله دیگر بمیرم از بشر

تا بر آرم از ملایک با و پر

بار دیگر از ملک پران شوم

آنچه اندر وهم ناید آن شوم

پس عدم گردم، چون ارغنون

گویدم: انالیه راجعون

آرمانه‌های والای زندگی، عشق است و انسان آرمانی، عاشقی است بر پهنه‌ی گیتی که در پی معشوقی است ماندنی که باید یافتش و فانیش شد. انسان عاشق و انسان آرمانی مولانا، دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان به برخی از آنها با گریزی به مثنوی و گشتی در اندیشه‌های «جلال‌الدین محمد» اشاره‌ای داشت.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی

پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد



انسان بر بام ملکوت ۱

برای مطالعه‌ی ادامه‌ی مقاله، بخش دوم آن (انسان بر بام ملکوت ۲) را از سایت دریافت کنید.